

چشم انداز رابطه ایران-آمریکا بعد از ترامپ

هادی زمانی

۴ دسامبر ۲۰۲۰

www.hadizamani.com

ارزیابی چشم انداز رابطه جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا پس از روی کار آمدن آقای بایدن مستلزم توجه به استراتژی کلان دو طرف این معادله است. در غیر اینصورت، تعدد سناریوهای محتمل میتواند به سر درگمی و نتیجه گیری های نادرست بیانجامد. در این چارچوب، در شرایط موجود، محتمل ترین سناریوی خوشبینانه یک گشایش نسبی خواهد بود که دو طرف را از وضعیت بحرانی کنونی خارج سازد. اما این راه کار، مانند گذشته پر فراز و نشیب خواهد بود و بدون حل علت پایه ای بحران، نهایتاً پایدار نخواهد بود.

استراتژی های کلان

استراتژی کلان ج.ا. بر این پایه استوار است که برنامه غنی سازی و موشکی خود را تا رسیدن به آستانه دستیابی به سلاح هسته ای ادامه دهد، تا در صورت لزوم بتواند در یک فاصله زمانی بسیار کوتاه خود را به سلاح هسته ای مجهز کند. علیرغم دلایلی که برای نادرستی این استراتژی وجود دارد، همه شواهد گواه بر آن است که ج.ا. به این استراتژی پایبند میباشد و به ادامه و اجرای آن مصمم است.

از سوی دیگر، برای ایالات متحده آمریکا و متحدانش، به ویژه اسرائیل و عربستان سعودی، استراتژی کلان ج.ا. قابل پذیرش نیست. استراتژی کلان آنها متوقف ساختن برنامه ج.ا. است.

راه حل پایه ای

با توجه به ناسازگاری و تناقض دو استراتژی بالا با یکدیگر، راه حل پایه ای این بحران از پنج صورت اصلی خارج خواهد بود:

۱. ج.ا. به این نتیجه برسد که اجرای برنامه اش نا درست یا نامیسر است و آنرا رها کند
۲. آمریکا استراتژی ج.ا. را در اصل بپذیرد و تلاش خود را بر مدیریت آن و نظارت بر آن متمرکز کند
۳. آمریکا استراتژی ج.ا. را نپذیرد و اقدام به تغییر رژیم نماید
۴. آمریکا با تضمین امنیت ج.ا.، حکومت ج.ا. را راضی کند تا برنامه خود را منحل سازد
۵. تحولات سیاسی درونی ایران به تغییر حکومت یا تغییر استراتژی آن بیانجامد

هیچ یک از گزینه های بالا در چشم انداز نزدیک محتمل به نظر نمیرسند. آمریکا و ج.ا.، هر دو به استراتژی های کلان خود پایبند اند و هیچ نشانه ای دال بر اینکه یکی از آنها حاضر به تغییر استراتژی خود باشد، مشاهده نمیشود. لذا، در شرایط کنونی و در چشم انداز نزدیک، دو گزینه نخست مطرح نیستند. با توجه به تجربه آقای ترامپ و شرایط موجود، تا آنجا که میتوان پیش بینی کرد، سیاست تغییر رژیم در دستور کار آقای بایدن قرار نخواهد داشت.

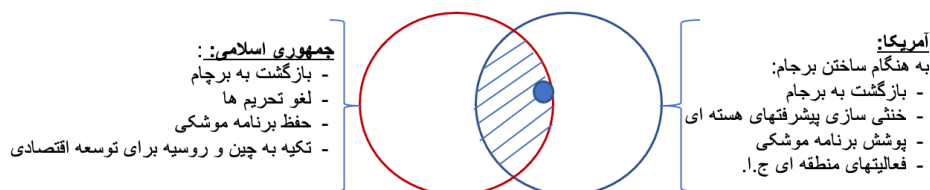
گزینه چهارم نیز دور از ذهن است. ج.ا. در شرایط اقتصادی و سیاسی بسیار دشوار و نامطلوبی قرار دارد. شرایط منطقه نیز به زیان آن تغییر کرده است. افزون بر این، مشخص نیست که بعد از آقای خامنه ای توازن قوا در درون حکومت ج.ا. چه شکلی بخود بگیرد و تأثیر آن بر استراتژی بلند مدت ج.ا. چگونه باشد. این موقعیت بسیار ضعیف ج.ا. همراه با بی اعتمادی بسیار عمیقی که آقای خامنه ای نسبت به آمریکا دارد، عملاً بصورت مانعی در برابر سناریوی چهارم عمل خواهد کرد. از دید آمریکا نیز، وضعیت ج.ا. به گونه ای نیست که یک پیمان استراتژیک امنیتی را توجیه کند.

در مورد گزینه پنجم، گرچه نارضایتی مردم از حکومت ج.ا. بسیار شدید، عمیق و گسترده است، اما به دلیل فقدان سازماندهی و رهبری، احتمال اینکه تحولات سیاسی درونی ایران، در چشم انداز نزدیک به تغییر حکومت یا تغییر استراتژی آن بیانجامد، آنقدر قوی نیست که مبنای کار شود.

راه حل مقطعی

شرایط بالا هر دو طرف درگیر را بسوی یک راه حل مقطعی سوق خواهد داد تا با کاهش شدت بحران بتوانند آنرا کنترل و مدیریت کنند.

استراتژی ج.ا. برای یافتن راه حل مقطعی، بازگشت به برجام (به شرایط پیش از ریاست جمهوری آقای ترامپ) برای لغو بیشتر تحریم ها و تکیه به چین و روسیه برای تامین نیازهای توسعه اقتصادی خواهد بود. از سوی دیگر، استراتژی آمریکا «به هنگام» ساختن برجام برای تمدید مدت زمان آن، پوشش برنامه موشکی ج.ا.، فعالیت های منطقه ای آن و خنثی سازی پیشرفت های برنامه هسته ای آن در چند سال اخیر خواهد بود.



به این ترتیب، تلاش ها بر روی تعیین فضای مشترک بین دو استراتژی بالا و یافتن یک راه حل مشخص در این فضای مشترک که برای دو طرف قابل قبول باشد، متمرکز خواهد شد.

نتایج محتمل

با توجه به موقعیت اقتصادی و سیاسی بسیار ضعیف و شکننده ج.ا. و توانایی بیشتر آقای بایدن برای ایجاد اجماع بین المللی علیه برنامه هسته ای ج.ا. (در مقابسه با آقای ترامپ)، بسیار بعید است که ج.ا. بتواند از دادن امتیازهای چشمگیر به آمریکا اجتناب کند. در نتیجه، به احتمال زیاد، راه حل مقطعی نهایی به استراتژی آمریکا نزدیکتر خواهد بود. به لحاظ اجرایی، در صورت لزوم، به «روز رسانی» برجام میتواند به صورت متمم برجام و یا یک توافقنامه مکمل آن تحقق یابد.

چنانچه تلاش بالا به شکست بیانجامد، دوباره به نقطه آغازین بحران باز خواهیم گشت. منتهی این بار سیر تحولات میتواند به گونه ای باشد که اجرای یکی از راه حل های پایه ای را که در بالا به آنها اشاره شد میسر سازد.

در صورت موفقیت نیز مشخص نیست که طول عمر راه حل مقطعی چقدر طولانی باشد. سیر تحولات درون حکومت ج.ا.، تحولات سیاسی درون جامعه ایران، تحولات منطقه و پیشرفت های نظامی و فنی ج.ا. در چارچوب راه حل مقطعی، هر یک به تنهایی و یا ترکیبی از آنها، میتواند راه حل مقطعی را شدیداً متزلزل کند و به عمر آن پایان دهد.

مطلوبترین راه حل پایه ای برای توسعه اقتصادی و سیاسی ایران آن است که سیر تحولات سیاسی درونی جامعه ایران به گونه ای باشد که امنیت ملی کشور را، به جای برنامه های بلند پروازانه نظامی، بر پایه همبستگی ملی و توسعه اقتصادی و سیاسی کشور استوار سازد.